

## گونه‌ها و روشهای تفسیری امام باقر علیه السلام در مصادر روایی فریقین

\*حسین خاکپور

\*\*احمد عابدی

**چکیده:** روش‌شناسی تفسیر امام باقر علیه السلام وقتی ضرورت و اهمیت دارد که بدانیم عصر این بزرگوار دوران فرازها و فرودهای فرقه‌های مذهبی و غیر مذهبی است. تلاش‌های فکری و فرهنگی معتزله، مرجئه، اهل قیاس، غلات، همراه خوارج و اهل‌كتاب، از ویژگیهای عصر امام باقر علیه السلام است که به کارگیری روشهای مختلف تفسیر قرآن از سوی امام گویای حضور فرهنگی و فکری فرقه‌های مذکور است.

مقاله حاضر با روش توصیفی - اسنادی، با تتبیع در روایات تفسیری این امام همام در مصادر روایی فریقین - به ویژه اهل‌سنّت - به دنبال شناخت روش ایشان در تفسیر قرآن است و بیان می‌دارد که امام، زمانی قرآن را به نطق درآورده، از آن برای تفسیر کلام الهی استفاده نموده‌اند و گاهی در حوزه معناشناسی به تبیین واژگان آیات الهی پرداخته‌اند، جری و تطبیق، استفاده از عقل و برهان، بهره‌گیری از اسباب نزول و ... از دیگر روشهای تفسیری امام است که مطرح می‌شود.

Email: dr.khakpour@theo.usb.ac.ir

\*. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Email: info@ahmad\_abedi.ir

\*\*. دانشیار دانشگاه قم.



## ۱. مقدمه

کلیدواژه‌ها: روشهای تفسیری / تفسیر / روایت تفسیری / شیعه / اهل سنت.

راه رسیدن به تعالیم والای اسلامی آشنایی با سیره اهل بیت علیهم السلام است. شناخت روش آنان جزء آگاهی از گفتارشان - به ویژه در تفسیر قرآن - میسر نیست. در میان ائمه، امام باقر علیه السلام نقش بسزایی دارد؛ زیرا در زمان ایشان بستری برای ترویج و تبیین احکام اسلام و آیات قرآن فراهم آمد.

در عصر این امام همام، تلاش پیروان مذاهب گوناگون در راه احکام اصول اعتقادی خود و ترویج آن در جامعه و نیز راهکارهای حاکمان زمان برای مقابله با فرهنگ اصیل اسلامی و منحرف ساختن مردم، مسئولیت و وظیفه امام را مهم تر و سخت‌تر می‌نمود. ایشان را به عنوان عالم به دقایق علوم و لطائف اشارات (نیشابوری، ج ۲، ص ۲۸۵ - ۲۸۶) باقر نامیدند؛ زیرا به حقیقت شکافنده علوم، عالم به اسرار نهان الهی و از «متوسمین» است. (ابن عساکر، ج ۱۵، ص ۳۵۳؛ ذہبی، ج ۴، ص ۴۰۵؛ قرطی، ج ۱، ص ۴۴۵؛ نووی، ج ۱، ص ۱۰۲)

روش‌شناسی تفسیر امام باقر علیه السلام در میان روایات تفسیری فریقین، از این نظر ضرورت دوچندان دارد که بخش قابل توجهی از احادیث تفسیری اهل بیت علیهم السلام به این بزرگوار اختصاص دارد و آگاهی از روش ایشان کمک شایانی به فهم قرآن و شیوه‌های تفسیر آن می‌کند و نکته سنجی اهل بیت علیهم السلام و نقل بودن آنها را بر همگان می‌نمایاند که چگونه عدل قرآن اند و مبین و تالی آن. لذا در این پژوهش برآئیم تا در حدّ توان به شناخت روشهای تفسیری این امام در میان روایات تفسیری شیعه و اهل سنت بپردازیم.

## ۱. روش تفسیر قرآن به قرآن

مقصود از تفسیر قرآن به قرآن، این است که هر آیه‌ای به کمک و استعانت از آیات دیگر تفسیر شود؛ زیرا برخی آیات مبین آیات دیگر هستند و به تفصیل معانی و محتوای دیگر آیات پرداخته‌اند. این شیوه هم‌زمان با نزول آیات آغاز، و تاکنون ادامه یافته است. (مؤدب، ص ۱۷۳ - ۱۷۴) یکی از اسلوبهای ویژه‌ای که امام باقر علیه السلام برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق وحیانی به کار برده‌اند، روش قرآن به قرآن است.

۱ - (۱) از امام باقر علیه السلام سؤال شد: چگونه به وجوب قصر نماز در سفر حکم می‌کنید، حال آنکه در قرآن تعبیر «لا جناح» است که به حسب ظاهر، به معنی جواز قصر است نه وجوب آن (اشاره به آیه: و إِذَا ضرِبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جَنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا؟)؟ امام با تمسّک به آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (بقره ۲ / ۱۵۸) فرمود: همان‌گونه که مقصود از عبارت «لا جناح» در این آیه ناظر به وجوب طواف [سعی] است نه جواز آن، در آیه نیز به معنی وجوب قصر است، نه جواز آن. (صدقه، ج ۱، ص ۲۳۴)

۲ - (۲) امام در تفسیر آیه «يَوْمَ تَبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرُ الْأَرْضِ» (ابراهیم ۱۴ / ۴۸) ضمن بیان مثال، آن را با آیه «وَمَا جعلناهُمْ جسداً لَا يأكلونَ الطَّعامَ وَمَا كانوا خالدين» (انبیاء ۲۱ / ۸) توضیح می‌دهد و می‌افزاید: مردم تا زمان حسابرسی از زمین بهره می‌برند (زمین تبدیل به نانی پاکیزه می‌شود) و ما آنها را پیکرها بی که طعام نخورند قرار نمی‌دهیم. (قرطی، ج ۹، ص ۳۸۴)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه از دو روش تمثیلی و قرآن به قرآن استفاده نموده‌اند.



## ۲. روش تفسیر لغوی (واژه‌ای)

شماری از روایات تفسیری امام باقر علیه السلام به گونه‌ای است که در تبیین آیات، تنها یک واژه یا بخشی از واژگان آیه را معنی نموده است. این روش غالباً در مواردی به کار رفته که ظاهر آیه، روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر نداشته، بلکه با بیان معنی و مفهوم واژگان دشوار آن، مفهوم آیه برایش آشکار می‌شده است. در واقع این‌گونه روایات حکم ترجمه را دارند. (رستمی، ص ۱۹۰) امام واژگان قرآن را به شیوه‌های مختلفی تبیین نموده‌اند؛ به عنوان نمونه:

### ۲ - ۱) توضیح بر اساس ادبیات عرب

از امام باقر علیه السلام ذیل آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًاً مَوْقُوتًاً» (بقره ۲ / ۳۴) روایت شده که ایشان فرمود «موقوت» در اینجا به معنی مفروض است. (ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۸۲). در حدیث دیگری معنی «غیب» و «شهادت» را چنین می‌فرمایند «الغَيْبُ مَا لَمْ يَكُنْ وَ الشَّهَادَةُ مَا كَانَ». (آل‌وسی، ج ۲۸، ص ۶۲) در بیانی دیگر، امام مقصود از «ما قلی» (ضحی ۹۳ / ۳) را «ما أبغضك» می‌داند؛ یعنی خدا تو را به خشم نیاورد. (فیض کاشانی، ج ۱، ص ۸۲۷)

### ۲ - ۲) بیان توصیفی و توضیحی

در این شیوه، امام باقر علیه السلام واژه‌ای را توصیف می‌کند یا توضیح می‌دهد. به عنوان نمونه، امام باقر علیه السلام در معنی «غارم» و «ابن سبیل» (توبه ۶۰ / ۹) می‌فرماید: «الغارمين: المستدين بغير فساد» و «ابن السبيل: المتجاوز من الأرض إلى الأرض». (ثوری، ج ۱، ص ۱۲۷) امام واژه «دُكّت» در آیه «كَلَّا إِذَا دُكِّتُ الْأَرْضُ ...» (فسجر ۸۹ / ۲۱) را به «زلزله» تبیین نموده‌اند. (حویزی، ج ۵، ص ۵۷۵؛ فیض کاشانی، ج ۸، ص ۳۲۶) زلزله سبب در هم کوبیدن بنها می‌شود. آیه به قیامت اشاره دارد و از علائم آخرت هم زلزله است؛ لذا امام عبارت را به زلزله تبیین نموده‌اند. این تفسیر توسعه شماری از مفسران فرقیین عنوان شده است. (نک: سید قطب، ج ۶، ص ۳۹۰)

## ۲- (۳) بیان مصدقی

در این شیوه، امام مصدق کلمه را بیان می‌کنند. به عنوان نمونه، ایشان منظور از «خیر» در «ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير» (آل عمران (۳) / ۱۰) را طبق روایت رسول الله، پیروی از قرآن و سنت رسول الله می‌دانند. (شوکانی، ج ۱، ص ۴۲۴؛ سیوطی، ج ۲، ص ۲۸۹) ایشان در حدیث دیگری، نزول آیه «اولو الامر» (نساء (۴) / ۵۹) را درباره امام علی علیهم السلام دانسته، اما مراد از آن را علی، حسن و حسین علیهم السلام معرفی می‌کنند. (حسکانی، ج ۱، ص ۱۵۱)

## ۲- (۴) بیان توسعی

گاه امام در معنای واژه، توسعه می‌بخشنند؛ یعنی حوزه معنایی آن را فراتر از ظاهر نشان می‌دهند. به عنوان نمونه:

امام «طاغوت» در آیه «فَنِ يَكْفُرُ بِالْطَّاغُوتِ» (بقره (۲) / ۲۵۵) را به حجابها و بازدارنده‌ها از مطالبه حق، تفسیر نموده‌اند. (عطار نیشابوری، ج ۲، ص ۲۸۶ - ۲۸۵) این شیوه در جایگاه خود نیازمند بررسی وسیع و همه‌جانبه است و موقعیت سنجهش و نیازسنجه امام در کار، نسبت نوع روش و شیوه تفسیری را نشان می‌دهد.

## ۲- (۵) بیان باطنی

در این شیوه، امام با قرآن علیهم السلام معنای باطنی واژه را بیان می‌کنند. به عنوان نمونه، از ایشان درباره معنی «طوبی» در آیه «طوبی لُمْ و حسن مَآب» (رعد (۱۳) / ۲۹) سؤال شد. فرمودند:

از رسول خدا علیهم السلام درباره این سخن خدای تعالی «طوبی لُمْ» سؤال شد، ایشان فرمودند: درختی است در بهشت که اصل آن در خانه من است و فروع آن در میان اهل بهشت است. یک بار دیگر پرسیدند: فرمودند: اصل آن در خانه علی علیهم السلام است و شاخسار آن در خانه اهل بهشت. سائل گفت: چگونه است که یک بار فرمودید: اصل آن در خانه من است و شاخسار آن در خانه دیگران، و یک بار دیگر فرمودید:



اصل آن در خانه علی ﷺ است و شاخسار آن در خانه دیگران؟ رسول خدا فرمودند: خانه من و علی ﷺ یکی است. (حسکانی، ج ۱، ص ۳۰۵؛ قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۸۸؛ شلبی، ج ۵، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ همو، ص ۳۵۱؛ قرطبی، ج ۹، ص ۳۱۷؛ سیوطی، ج ۳، ص ۱۴، ج ۴، ص ۵۹) با تبعی در روایات امام، نمونه‌های دیگری از این نوع نیز به چشم می‌خورد که به همین مقدار بسته می‌کنیم.

### ۳. روش تفسیر عقلی - کلامی

امامان معصوم ظاہر ﷺ گاهی در تفسیر آیات قرآن - به ویژه آیات مربوط به عقاید و اثبات توحید و یکانگی خداوند - از براهین، اصول و قواعد عقلی استفاده نموده و معنای آیه را روشن ساخته و شک و ابهام را از آن زدوده‌اند. (علوی مهر، ص ۱۳۸) تفسیر عقلی آن است که مفسر با استفاده از درک و فهم سليم، به تدبیر و تفکر در قرآن و فهم معانی آیات و تفسیر آن بپردازد. امام باقر ظاہر ﷺ گاهی با تکیه بر اصول مسلم عقلی و استفاده از عقل، قرآن را تفسیر نموده‌اند. این روش نیز به گونه‌های مختلف در کلام امام تبلور یافته است که به برخی اشاره می‌کنیم.

#### ۳ - ۱) بیان صفات الهی

پاره‌ای از روایات تفسیری امام باقر ظاہر ﷺ به تبیین صفات الهی می‌پردازد. از ایشان ذیل آیه «و هو الله في السموات والأرض» (انعام ۳/۶) روایت شده: مکانها محدود است و زمانی که گفتی ذات خدا در مکانی قرار دارد، لازمه‌اش این است که به گویی خداوند محدود است... (نک: صدوق، ص ۱۳۲ - ۱۳۳) نمونه‌های فراوانی از این نوع به چشم می‌خورد که مجالی برای پرداختن به آن نیست.

#### ۳ - ۲) تبیین آیه با کمک برهان و بیان چرایی آن

ساختار مفهومی برخی از آیات قرآن که بیشتر به اصول اعتقادی و آراء کلامی ارتباط دارد، ما را به استدلال و احتجاج نیازمند می‌سازد؛ زیرا دلایل عقلی پایه اعتقادات افراد را مستحکم می‌نماید. به عنوان نمونه ذیل آیه: «إِذَا ذُكْرَتْ رَبُّكَ فِي



القرآن وحده ولّوا على أدبارهم نفوراً» (اسراء (١٧) / ٤٦) روایت شده است:

أخرج البخاري في تاریخه عن أبي جعفر محمد بن عليّ آنه قال: لم کتمت «بسم الله الرحمن الرحيم»؟ فنعم الاسم والله کتموا. فإنّ رسول الله كان إذا دخل منزله اجتمع عليه القریش فيجهر ببسم الله الرحمن الرحيم ويرفع صوته بها، فتوّل قريش فراراً فأنزل الله: «إذا ذكرت ربّك في القرآن وحده».

(سیوطی، ج ۵، ص ۲۹۸)

امام در چرایی عدم مجالست با اهل خصومات، چنین استدلال می‌نمایند که آنها کسانی اند که در آیات خداوند با شک و تردید می‌نگرند و در آنها جدل می‌کنند.

(مراغی، ج ۷، ص ۱۲؛ سیوطی، ج ۳، ص ۹۲)

### ٣ - احتجاج به آیات قرآن در اثبات حقانیت اهل بیت

آل‌وسی در اینکه فرزندان دختر هم ذریه خوانده می‌شوند، می‌گوید: در تفسیر فخر رازی [ذیل آیه انعام (٦) / ٥٨] نقل شده است:

إِنَّ أَبَا جَعْفَرَ - رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ - اسْتَدَلَّ بِهَا عَنْدَ الْحَجَّاجَ بْنَ يُوسُفَ بِآيَةِ الْمَبَاهِلَةِ حِيثُ دَعَا بِكَلَامِ الْحَسَنِ وَالْحُسَينِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - بَعْدَ مَا نَزَلَ: تَعَالَوْا نَدْعَ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ ... (آل‌وسی، ج ٧، ص ٢١٣)

### ٤ - دفاع از حریم ولایت

عن أبي بصیر، عن أبي جعفر، آنه ساله عن قول الله: «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول وأولي الأمر» قال: نزلت في عليّ بن أبي طالب. قلت: إنّ الناس يقولون: فما منعه أن يسمّي عليّاً وأهل بيته في كتابه؟ فقال أبو جعفر: قولوا لهم: إنّ الله أنزل على رسوله الصلاة ولم يسمّ ثلاثة ولا أربعاً حتى كأن رسول الله هو الذي يفسّر ذلك، وأنزل الحجّ فلم ينزل طوفوا سبعاً حتى فسّر ذلك لهم رسول الله. وأنزل: «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول وأولي الأمر منكم»،

فَنَزَّلَتْ فِي عَلِيٍّ وَالْمُحْسِنِ وَالْمُسْعِدِ، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَوْصِيكُمْ بِكِتابِ اللَّهِ وَأَهْلِ بَيْتِي. إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ لَا يَفْرَقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يَرْدَأَ عَلَيْهِ الْمَوْضُعُ، فَأَعْطَانِي ذَلِكَ.

(حسکانی، ج ۱، ص ۱۵۱).

#### ۴. استفاده از جری و تطبیق (روش تفسیر مصداقی)

«جری» در لغت یعنی: روان شدن و جریان داشتن. (قرشی، ج ۲، ص ۳۰) «جری» به این معنا تعبیری است که خود ائمّه برای بیان استمرار قرآن در همه زمانها به کار برده‌اند و مراد از آن انطباق الفاظ و آیات قرآنی است بر مصاديقی غیر از آنچه درباره آنها نازل شده است؛ یعنی از مخاطبان اولیه خود تجاوز کرده و بر افرادی منطبق می‌شوند که در قرنها بعد می‌آیند. (میرباقری، ص ۲۳۶)

در روایات، الفاظ و آیات بسیاری از قرآن کریم بر پیامبر ﷺ و ائمّه علیهم السلام و مخالفان آنها انطباق یافته است. ادله‌ای که می‌تواند امر جری و تطبیق در روایات تفسیری را تأیید نماید، متعددند. پاره‌ای از آنها خود اخبار جری می‌باشد که در آنها بر دائمی بودن احکام و معارف قرآن و استمرار خطاب قرآن به مصاديق جدید تأکید شده است. (شاکر، ص ۱۴۹)

این روش در کلام امام باقر علیه السلام جایگاه خاصی دارد؛ زیرا در زمان ایشان گاه افراد ساده‌لوح یا سودجو و مغرض، قرآن را به نفع خود یا به ضرر دشمنانشان تفسیر می‌کردند. در چنین شرایطی، تطبیق صحیح آیه بر افراد و وقایع عینی راهگشای شیعیان بود. این شیوه خود اقسام و مراتب گوناگونی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

#### ۴ - (۱) مصدق خاص

در برخی موارد، آیه مصدق انحصری دارد و بر عموم افراد دلالت نمی‌کند. در این آیات گاه لفظ به گونه‌ای است که در ظاهر می‌تواند مصاديق متعددی را پذیرد، اما شواهدی یافت می‌شود که مصدق آن منحصر و محدود است.



آل‌وسی ذیل آیه «ثُمَّ أُرْثَنَا الْكِتَابَ...» (فاطر (۳۵ / ۳۲) می‌گوید:

روی الامامیه عن الصادق و الباقر -رضی الله عنہما- آئہما قالا: «هی لنا

خاصّه و إیانا عنی». أراداً أَنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ الْأَمَّةَ مِنْهُمْ هُمُ الْمُصْطَفَوْنَ الَّذِينَ

اورثوا الكتاب ... (آل‌وسی، ج ۲۲، ص ۱۹۵)

طبق این حدیث، صادقین آیه را خاص اهل بیت دانسته‌اند. آل‌وسی گرچه این سخن را با حدیث ثقلین قابل تقویت می‌داند، اما آن را بر علمای امت حمل نموده و می‌گوید: علمای اهل بیت به طریق اولی داخل هستند.

اختصاص آیه ولایت (مانده (۵ / ۵۴) در مورد حضرت علی علیهم السلام (حسکانی، ص ۱۵۱)، آیه «بِقِيَةِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ» (هود (۱۱ / ۸۶) درباره امام زمان (صدوق، ج ۲، ص ۳۳۰)، آیه «خَيْرٌ الْبَرِّيَّةِ» (بینه (۹۸ / ۷) به امام علی علیهم السلام و شیعیان او (طبری، ج ۲، ص ۱۹۷؛ خوارزمی، ص ۶۶)، آیه «فَدِينَاهُ بِذِيْحٍ عَظِيمٍ» (صفات (۳۷ / ۱۰۷) به حضرت اسماعیل (وهب‌الزحلیل، ج ۲۳، ص ۱۲۵)، آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» (آل عمران (۳ / ۱۱۰) به اهل بیت علیهم السلام (سبوطی، ج ۲، ص ۲۹۴)، آیه «مِنْ عَنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» به امام علی علیهم السلام (قرطبی، ج ۹، ص ۳۳۶؛ اختصاص آیه «صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» (تحریم (۶۶ / ۴) به امام علی (آل‌وسی، ج ۲۸، ص ۱۵۳) از دیگر نمونه‌هاست.

## ۲-۴) مصدق اتم

این نوع مصدق -که گاه از آن به مصدق «اکمل» و «اعلی» هم یاد می‌شود - به این معنی است که آیه پذیرای مصادیق متعددی است که از لحاظ رتبه یکسان نیستند و یک یا چند تن در مرتبه بالاتر از دیگران به سر می‌برند که به عنوان مصدق اتم و اکمل معرفی می‌شوند.

ذیل آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» (ابیاء (۲۱ / ۴۳) از امام باقر علیهم السلام روایت شده که چون آیه نازل شد، امیرالمؤمنین علیهم السلام گفت: ما اهل ذکر هستیم. و در روایت دیگری از ایشان نقل شده که مراد، عترت رسول خدا هستند و در روایت دیگری امام باقر علیهم السلام فرماید: «اَهْلُ الذِّكْرِ مَا هُسْتِيْمُ». به عنوان نمونه:

عن محمد بن علي قال: لما نزلت هذه الآية: «فاسألو أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون» قال علي عليهما السلام: نحن أهل الذكر الذي عنا الله جل وعلا في كتابه.

(حسکانی، ج ۱، ص ۳۳۶، ج ۲، ص ۳۳۷ ۴ حدیث)

آلوسی صاحب تفسیر روح المعانی<sup>۱</sup> ذیل این آیه، عبارتی قابل تأمل دارد:

قول أبي جعفر الباقر «نحن أهل الذكر»؛ و علماء أهل بيت رسول الله عليهما السلام و الرحمة من خير العلماء إذا كانوا على السنة المستقيمة، كعلي و ابن عباس و أبي علي الحسن و الحسين و محمد بن الحنفية و علي بن الحسين زين العابدين و علي بن عبد الله بن عباس وأبي جعفر الباقر وهو محمد بن علي بن الحسين و جعفر ابنه وأمثالهم وأضرابهم وأشخاصهم ممن هو متمسك بحبل الله المتين و صراطه المستقيم و عرف لكل ذي حق حقه و نزل كل المنزل الذي أعطاه الله رسوله و اجتمعوا عليه قلوب عباده المؤمنين. (آلوسی، ج ۴، ص ۱۹۷، ذیل نحل

(۴۳ / ۱۶)

در توضیح سخن امام باقر علیه السلام که اهل الذکر ما هستیم، می‌گوید: علمای اهل بیت رسول الله علیه السلام و الرحمه از بهترین علماء هستند، هرگاه بر سنت مستقیم باشند؛ مثل علی، ابن عباس، فرزندان علی: حسن و حسین، محمد بن حنفیه، علی بن حسین زین العابدین، علی بن عبد الله بن عباس، ابی جعفر الباقر و جعفر الصادق و پسرش و امثال و شیبه و نظیر آنها از کسانی که به ریسمان محکم الهی و راه مستقیم او چنگ زده، حق هر صاحب حقی را می‌شناسند و بر جایگاهی که خدا و رسولش و قلبهای مؤمنین به سوی آن است، فرود می‌آیند.

از این نوع، نمونه‌های دیگر نیز در کلام امام باقر علیه السلام مشاهده می‌شود. (نک:

قمی، ص ۴۱۲ ذیل انشقاق (۸۴) / ۱؛ قندوزی، ج ۱، ص ۲۹۷، باب ۲۶؛ سیوطی، ج ۴، ص ۳۱۶ ذیل توبه (۹) /

۱. اصل این سخن از ابن کثیر است (تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۹۲) و روشن است که تفسیر ناروایی است از کلام امام باقر علیه السلام. (ویراستار)

۱۱۹، قرطبي، ج ۱۹، ص ۸۷؛ ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۲۰۹؛ حسكاني، ج ۲، ص ۲۹۳؛ شهرستاني، ج ۱، ص

#### ۴-۳) مصدق عام

این مصدق در آياتی یافت می شود که لفظ و معنای آن صلاحیت پذیرش مصاديق متعدد را دارد و امام در پاسخ سائل، هر بار به مصدقی از آن اشاره می کند. ذیل آیه «وليشهدوا منافع لهم» (حج ۲۸ / ۲۸) روایت شده: قال محمد بن عليّ بن الحسين الباقر عليهما السلام «المراد بها العفو والمغفرة». در تفسیر طبری دو حدیث از امام باقر علیه السلام از طریق جابر جعفی، نقل می کند که در اویلی، امام می گوید: مراد «العفو» است (جابر عن أبي جعفر ليشهدوا منافع لهم، قال: العفو) و در حدیث دوم امام می گوید: «مغفره» است (جابر قال، قال محمد بن علي: المغفرة) که ظاهراً امام در مقام بیان برخی از مصاديق «منافع» هستند. مُظہری این دو روایت را تحت عنوان یک روایت نقل نموده است. طبری پس از نقل نظرات مختلف، منافع را عام می گیرد، اعم از منافع دنیوی و اخروی. (طبری، ص ۴۷؛ مظہری، ج ۶، ص ۱۹۶ و ج ۹، ص ۷۶)

از این امام همام روایت شده که مقصود از ابرار در آیه «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نِعِيمٍ» (انتظار ۸۲ / ۱۳) ما هستیم، و مقصود از فجّار در «إِنَّ الْفَجَارَ لَفِي جَحَّمِ» (انتظار ۸۲ / ۱۴) دشمنان ما هستند. (بحرانی، ج ۴، ص ۴۳۶؛ مجلسی، ج ۲۴، ص ۶)

امام باقر علیه السلام یکی از مصاديق «و انحر» در سوره کوثر را بالا بردن دست هنگام گفتن تکبیره الاحرام دانسته اند. (آلوسی، ج ۳۰، ص ۲۴۷؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۸۸؛ سیوطی، ج ۸، ص ۶؛ طبری، ج ۳۰، ص ۳۲۶)

یادآوری می شود که بیان مصدق اتم مانعی برای مصاديق پایین تر نیست؛ لذا بسیاری از مفسران، مصاديق دیگری را نیز برای آیات ذکر شده بیان داشته اند.

#### ۴-۴) مصدق باطنی

گاه امام در مقام توضیح آیه، مصدق باطنی آن را یادآور می شود که می توان این



قسم را از مقوله تأویل دانست؛ به عنوان نمونه:

الف) امام باقر علیه السلام «طعام» را در آیه «فَلَيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس ۸۰ / ۲۴) به علم تأویل نموده‌اند، بدین معنی که انسان نیک بنگرد که از چه کسی آن را می‌گیرد. (بهرانی، ج ۴، ص ۴۲۹؛ فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۸۷؛ کلینی، ج ۱، ص ۵؛ مجلسی، ج ۲، ص ۲۹۸)

ب) عن أبي جعفر محمد بن عليّ بن الحسين في قوله: «فَأَبِي أَكْثَرِ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» (اسراء ۱۷ / ۸۹) قال: بولایة عليّ يوم أقامه رسول الله ﷺ. و نیز: عن جابر قال: قال أبو جعفر علیه السلام قال الله: «صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ»؛ يعني لقد ذكرنا عليّاً في كل آية فأبوا ولاية عليّ «فَما يَزِيدُهُمْ إِلَّا نَفْرَارًا».

ج) امام باقر علیه السلام منظور از هدایت در آیه «إِنِّي لِغَافِرٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (طه ۲۰ / ۸۲) را هدایت به ولایت اهل بیت علیه السلام می‌داند. (قدوزی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ حسکانی، ج ۱، ص ۳۷۶)

## ۵. روش تفسیر تمثیلی (تفسیر قرآن با استفاده از تمثیل)

یکی از دلنشیین‌ترین و مفیدترین راههای القای مطلب به برخی مخاطبان، بهره گرفتن از تشبیه و تمثیل است. تشبیه از ارزش‌ترین و برترین انواع بлагت است. تشبیه در لغت همان تمثیل است. از این‌رو، واژه‌های تشبیه و تمثیل و مماثلت، مفاد مشترک دارد و در اصطلاح عبارت است از پدید آوردن مماثلت و مشارکت حداقل میان دو شیء در یکی از اوصاف و ویژگیهاست. هدف از تشبیه و تمثیل، اظهار مطالب مشکل در قالب عبارات روشن و خارج ساختن آن از ابهام به مرحله روشنایی و وضوح است، خواه هر دو طرف تشبیه محسوس یا معقول و یا متفاوت باشند. (ابن ناقی، ص ۲۰۵)

این روش را می‌توان جزء روش تفسیر ادبی دانست؛ اما نگارنده آن را به صورت مستقل می‌آورد؛ زیرا صراحتی که در تفسیر ادبی سراغ داریم، در اینجا به چشم نمی‌خورد و تشبیه و تمثیل جای آن را می‌گیرد. در مواردی امام از تشبیه برای بیان و

مقصود آیه استفاده می‌کند؛ زیرا این شیوه‌ای است که راه رسیدن به مقصود را بسیار کوتاه می‌کند و قرآن کریم خود نیز از این شیوه بهره‌های فراوان دارد.

- ۱-۵) از امام باقر علیه السلام ذیل آیه «لا تجعلوا الله عرضة لأيامكم» (بقره (۲ / ۲۲۴) روایت شده: کسی مثلاً قسم بخورد که دیگر با برادرش هم صحبت نشود و یا کار دیگری - نظیر سخن گفتن - انجام ندهد و یا سوگند بخورد که با مادرش سخن نگوید. (طباطبایی، ج ۲، ص ۱۹۹)

۲-۵) به سند جابر از امام باقر علیه السلام ذیل آیه «يَوْمَ تَبَدِّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ» (ابراهیم (۱۴ / ۴۸) روایت شده که از ایشان درباره آیه پرسیدم، فرمودند: «تبدل خبره يأكل منها الخلق يوم القيمة. ثم قرأ: «ما جعلناهم جسدًا...» (انبیاء (۲۱ / ۸) (قرطبی، ج ۹، ص ۳۸۴) در آن روز، زمین تبدیل به نانی پاکیزه می‌گردد و مردم از آن می‌خورند». سپس آیه «ما جعلناهم جسدًا...» را تلاوت فرمودند. البته این حدیث در منابع شیعه به سند امام صادق علیه السلام نقل شده است. (حویزی، ج ۲، ص ۵۵۷)

۳-۵) ابن جریر و حاکم (در حالی که آن را صحیح دانسته) و ابن مردویه و بیهقی در الدلائل از سعید بن ابی هلال روایت نموده که گفت: از ابا جعفر محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) شنیدم که این آیه را خواند: «وَالله يَدْعُ إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ» و فرمود:

حدّثني جابر قال: خرج علينا رسول الله ﷺ يوماً، فقال: إِنِّي رأيت في المنام كان جبريل عند رأسي و ميكائيل عند رجلي، يقول أحدهما لصاحبه: اضرب له مثلاً، فقال: اسمع أذنك و اعقل قلبك، إِنَّمَا مثلك و مثل من اتّبعك مثل ملك اخْذَ داراً، ثُمَّ بَنَى فِيهَا بَيْتاً، ثُمَّ جَعَلَ فِيهَا مَادِبَه، ثُمَّ بَعَثَ رَسُولًا يَدْعُ النَّاسَ إِلَى طَعَامِهِ، فَنَهَمُ مَن أَجَابَ الرَّسُولَ وَمَنْهُمْ مَنْ تَرَكَ، فَاللهُ هُوَ الْمَلِكُ، وَالْدَّارُ الْإِسْلَامُ وَالْبَيْتُ الْجَنَّةُ وَأَنْتَ يَا مُحَمَّدُ رَسُولُهُ، فَمَن أَجَابَكَ دَخْلُ الْإِسْلَامُ وَمَنْ دَخَلَ الْإِسْلَامَ دَخْلُ الْجَنَّةِ وَمَنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ اَكْلٌ



## ۶. روش تفسیر تربیتی - هدایتی

در این روش، امام به تفسیر تربیتی - هدایتی از آیه قرآن می‌پردازد، یا وجهی از وجوه تربیتی را در ضمن تفسیر بیان می‌کند.

۶-۱) ذیل آیه «أَفَرَايَتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ» (واقعه ۵۶ / ۶۷) از امام باقر علیہ السلام از رسول خدا نقل شده که هرگاه آن بزرگوار به آب نزدیک می‌شد، می‌گفت:

الحمد لله الذي سقانا عذباً فراتاً برحمته ولم يجعله ملحاً أجاجاً بذنوينا (وهبه

الزنجيلي، ج ۲۷، ص ۲۶۹)

این روایت در بیان تربیت توحیدی است.

۶-۲) اینک روایتی در تربیت اخلاقی:

عن أبي حمزة الثمالي، قال: حدثني أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين، قال: قال لي أبي: يا بني، لا تصحبن خمسة ولا تتوافقهم في طريق: لا تصحبن فاسقاً، فإنه يبيعك بأكلة فما دونها؛ ولا بخيلاً، فإنه يقطع بك عن ماله أحوج ما كنت إليه؛ ولا كذلك فإنه ينزلة السراب، يبعد منك القريب ويقرب منك البعيد؛ ولا أحق، فإنه يريد أن ينفعك فيضررك؛ ولا قاطع رحم فإني وجده ملعوناً (ثلاثة) مواضع في كتاب الله. (ابونعيم اصفهاني، ج ۳، ص ۱۸۳؛ سبط ابن جوزي، ج ۲، ص ۴۰۹، ابن عساکر، ص ۱۱۰؛ ابن جوزي، ج ۲، ص ۱۰۱).

ظاهراً مراد امام، آیات: رعد (۱۳) / ۲۵، محمد (۴۷) / ۲۲ و بقره (۲) / ۲۷ است.

۶-۳) از امام باقر علیہ السلام درباره «ذاکر» بودن نقل شده: «ما من شيء أحب إلى الله من الذكر والشكر» (سیوطی، ج ۴، ص ۳۶۸). نیز روایت شده است:



## الصواعق تصيب المؤمن وغير المؤمن ولا تصيب الذاكرا.

(سيوطى، ج ٤، ص ٦٢٧؛ بغوی، ج ٤، ص ٩؛ ابن صبان، ص ٢٥٣؛ بغدادی، ج ٤، ص ٩؛ ابن طلحه، ص ٨٠)

ابونعيم في الحليه عن أبي جعفر قال: «أشد الاعمال ثلاثة: ذكر الله على كلّ

حال، إنصافك من نفسك و مواساة الأخ في المال.

(سيوطى، ج ٤، ص ٧٥)

برای مشاهده نمونه هایی در مصادر شیعه، نک: برقی، ج ۲، ص ۷۴ ذیل بقره

(۲) / ۱۸۹؛ عیاشی، ج ۱، ص ۸۸؛ طباطبایی، ج ۲، ص ۶۵۳ و ...

## ٧. تفسیر از راه شرح جریان تاریخی

یکی از راههایی که قرآن برای هدایت بشر به کار گرفته، بیان جریانهای تاریخی و سرگذشت ملل پیشین است. خداوند رهاورد این شیوه را آشنای مردم با سرنوشت گذشتگان و پندگرften از آن می داند؛ آنجاکه می فرماید: «لقد كان في يوسف و إخوته آياتٌ لِلسائلينَ».

(یوسف (۱۲) / ۷)

استفاده امامان علیهم السلام از تاریخ فرآگیر بوده و از سرگذشت پیشینیان برای توضیح و تبیین آیات قرآن بهره گرفته اند. امام باقر علیه السلام نیز در موارد متعددی از این شیوه تفسیری استفاده نموده اند.

١- امام باقر علیه السلام درباره بنای کعبه می فرمایند:

«كان باب الكعبة على عهد العمالقة و جرهـم و إبراهيم بالأرض حتى بنته قريش.»  
(قرطبي، ج ٢، ص ١٢٣) از امام باقر علیه السلام روایت شده که درب خانه خدا در عهد عمالقه و جرهـم و ابراهيم بر زمین بود تا اینکه قریش آن را بنا کردند. نیز روایت شده: مردم در مورد نخستین کسی که کعبه را بنا نموده، اختلاف کردند «فقيل الملائكة قبل آدم، روی هذا عن أبي جعفر الباقر محمد بن علي ابن الحسين.» (ابن كثير، ج ۱، ص ۳۰۳ ذیل بقره (۲) / ۱۲۸؛ قرطبي، ج ٢، ص ١٢٠)



## ۸. تفسیر از راه بیان اسباب نزول

یکی از راههای فهم معنا و مقصود، توجه به شرایطی است که کلام در آن صادر شده است. برخی از آیات قرآن هم در زمان و مکان خاص و به علت و سببی نازل شدند که آگاهی از آنها کمک زیادی به فهم آیات می‌کند. استفاده از این روش در بیان امام باقر علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به عنوان نمونه:

۱-۸) از امام باقر علیه السلام ذیل آیه تبلیغ (ماهده ۵ / ۶۷) روایت شده

إِنَّ مَعْنَاهَا: بَلَغَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ. فَلَمَّا نَزَلَتْ أَخْذُرُ رَسُولُ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
بِيدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَنْ كَنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهٌ. (شعلی، ج ۴، ص ۹۲؛ قندوزی، ج ۱، ص

۱۱۹؛ فخر رازی، ج ۳، ص ۶۳۶؛ نیشابوری، ج ۶، ص ۱۷۰؛ حسکانی، ج ۱، ص ۴۴۲).

۸ - ۲) ذیل آیه: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ.. فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ و  
سَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء ۴ / ۹۷) روایت شده است:

أَبُو الْجَارُودَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ - رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ - إِنَّ هُولَاءِ النَّاسِ مَنْ  
الْمَنَافِقِينَ تَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ بِمَكَّةَ، فَلَمْ يَخْرُجُوا مَعَهُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَخَرَجُوا  
مَعَ مُشْرِكِي قَرِيشٍ إِلَى بَدْرٍ، فَأَصَبَّوْهَا فِيمَنْ أَصَبَّ، فَأُنْزَلَ إِلَيْهِ فِيهِمْ هَذِهِ  
الآيَةِ. (آلَوَسِي، ج ۵، ص ۲۵).

البته در روایت عکرمه نام برخی از آنها ذکر شده است مثل: قیس بن الفاکهه بن المغیره، الحرث بن زمعه بن الاسود، قیس بن ولید بن المغیره ... همچنین از امام روایت شده که ایشان شأن نزول آیه ۳۵ سوره انعام را درباره «حارث بن عامر بن فوفل» بیان داشتند (نک: قمی، ص ۴۰۵).

این قسم نیز در مصادر فریقین به فراوانی مشاهده می‌شود که به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

## نتیجه

به وجود آمدن فضای نسبی برای بهره‌گیری از سخنان الهی و وحیانی امام باقر<sup>ع</sup> و تلاش فرقه‌های مذهبی و سیاسی باعث شد که آن امام همام، با روش‌های مختلف تفسیر قرآن در راه اعتلال فرهنگ اصیل محمدی<sup>ع</sup> بکوشند.

امام در مقابل مکاتب و فرقه‌های کلامی، روش تفسیر و استدلال‌های عقلی را به کار می‌بردند، و در برابر اندیشه‌های مردم عادی، با تمثیلی زیبا پرده از راز نهفته آیات بر می‌داشتند. باقرالعلوم در مقابل افراد ساده‌لوح و سودجو مثل خوارج و غلات که قصد تطبیق نادرست قرآن را داشتند، با جری و تطبیق صحیح آیات بر مصاديق عینی، راهگشای شیعیان بودند.

خلاصه اینکه امام با احاطه علمی و برخورداری از وداع نبوت، روش منحصر به فردی را به کار می‌گرفتند که فقط از عترت ساخته است و آن موقعیت‌سنگی و استفاده از روش مناسب، بسته به شرایط و فضای حاکم و نوع مخاطب است.



قرآن کریم

## منابع

١. اللوسي، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد. روح المعانی. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
٢. ابن تیمیه، تقی الدین احمد. مقدمه فی اصول التفسیر. مؤسسه الرساله، ۱۳۹۲ق.
٣. ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی بن محمد ابوالفرج. صفة الصفوہ. تحقیق: محمود فاخوری، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.
٤. ابن حسنیه. بحر المناقب. بیروت: دار المعرفة.
٥. ابن شهر آشوب، رشید الدین. المناقب لابی طالب. قم: علامه و المطبعه الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۷۹.
٦. ابن صبان المصری، الشافعی. لسعاف الراغین فی سیره المصطفی. طبع العثمانی.
٧. ابن طلحه شافعی، محمد. مطالب السوول فی مناقب آل الرسول. طبع تهران افست چاپ نجف.
٨. ابن عطیه. تفسیر المحرر الوجیز. بیروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
٩. اسفراینی. تفسیر تاج التراجم. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
١٠. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن. تاریخ مدینه دمشق. تحقیق: نشاط غزاوی، دمشق: دارالفکر.
١١. ابن کثیر، اسماعیل. تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالفکر.
١٢. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دار الكتب العلمیه.
١٣. ابن مغازلی. المناقب (مناقب الامام علی بن ابی طالب). تهران: چاپ اسلامیه، ۱۳۹۴ق.
١٤. ابن نقی، عبدالله بن محمد. الجمان فی تشییهات القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی، پژوهشگاه اسلامی، ۱۳۷۴ش.
١٥. ابونعمیم اصفهانی. حلیه الاولیاء. بیروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
١٦. بغدادی، علی بن محمد بن ابراهیم معروف به خازن. لباب التأویل فی معانی التنزیل. مصر: طبع مصطفی، ۱۳۱۷ش.
١٧. البغوى، ابو محمد الحسین بن مسعود. معالم التنزیل. بیروت: دار الكتب العلمیه، طبع مصر، ۱۴۱۴ق.
١٨. ثعلبی، ابو اسحاق احمد. الكشف و البيان. تحقیق: ابی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۲ق.



١٩. العمدہ. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
٢٠. ثوری، ابو عبدالله بن سعید. تفسیر الثوری. بیروت: دارالکتب العلمی، ١٩٨٣ م.
٢١. حسکانی، عبدالله بن احمد الحنفی. شواد الشنزیل لقواعد التفصیل. تحقیق: محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٣٩٣ ق.
٢٢. حسینی فیروز آبادی، سید مرتضی فضائل الخمسة، ترجمه: شیخ محمد باقر محمودی، انتشارات فیروز آبادی، ١٣٧٤.
٢٣. حلیبی، برهان الدین. سیره الحلبیه. طبع مصر.
٢٤. حموینی، محمد بن محمد بن اسحاق. مناهج الفاضلین. قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
٢٥. حوزی، عبدالعلی بن جمیعه. تفسیر نور التقلین. تحقیق: سید هاشم رسول محلاطی، قم: المطبعه العلمیه و قم: اسماعیلیان.
٢٦. خوارزمی، الموفق بن احمد. المناقب الامام علی. تحقیق: الشیخ مالک المحمودی، قم.
٢٧. ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد. سیر اعلام البلاء. تحقیق: شعیب الاننوط و علی ابو زید، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤٠٦ ق.
٢٨. رستمی، علی اکبر. آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان. چاپ حیدری، ١٣٨٠ ش.
٢٩. سبط، ابن جوزی. تذکرہ الخواص. تحقیق: الشیخ حسین تقی زاده، بیروت: مؤسسه اهل‌البیت، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١١ ق.
٣٠. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن. درالمتنور فی التفسیر بالتأثر. بیروت: دارالفکر، ١٣٨٦ ش.
٣١. سید قطب، ابراهیم. فی حلال القرآن. بیروت: دارالشروع، ١٤١٢ ق.
٣٢. شاکر، محمد کاظم. روش‌های تأویل قرآن. قم: انتشارات قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ١٣٧٦ ش.
٣٣. شوکانی، محمد بن علی. فتح القدير الجامع بین الروایه و الدرایه فی علم التفسیر. اعنی به یوسف الغوش، بیروت: دار المعرفه.
٣٤. شهرستانی، عبدالکریم. مفاتیح الاسرار ومصابیح الابرار. تحقیق: آذرشپ، شرکه النشر و احیاء الكتاب، ١٣٧٦ ش.
٣٥. صدوق، محمد بن بابویه. من لا يحضر الفقيه. مترجم: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.



٣٦. التوجیه. قم: دارالکتب الاسلامی.
٣٧. سید قطب، ابراهیم. فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروع، ۱۴۱۲ ق.
٣٨. طباطبائی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ق.
٣٩. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البیان فی تأویل آی القرآن. بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
٤٠. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی. البیان فی تفسیر القرآن. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
٤١. عطار نیشابوری، شیخ فرید الدین. تذکرہ الاولیاء. (بر اساس نسخه نیکلسن)، تهران: نشر علم، ۱۳۸۴ ش.
٤٢. علوی مهر، حسین. روشها و گایشهای تفسیری. قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۱ ش.
٤٣. عیاشی، محمد بن مسعود. تفسیر عیاشی. تهران، ۱۳۸۰ ش.
٤٤. فخر رازی، محمد بن عمر بن حسین. مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر). بیروت: دار احیاء التراث العربي.
٤٥. فیض کاشانی، محمد محسن. تفسیر صافی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
٤٦. فرشی، سید علی اکبر. قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
٤٧. قرطبی، ابو عبدالله بن احمد. الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربي، ۱۴۰۵ ق.
٤٨. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمی. دارالکتب، ۱۴۰۴ ق.
٤٩. قندوزی الحنفی، ابراهیم. بنای الموده لذوی القریبی. تحقیق: سید علی جمال اشرف‌الحسینی، قم: دارالاسوه، ۱۴۲۲ ق.
٥٠. ترجمه سید مرتضی توسلیان. تهران: چاپخانه بزرگ‌مهر.
٥١. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی. قم: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ اسلامیه، ۱۳۶۱ ش.
٥٢. فروع کافی. قم: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ اسلامیه، ۱۳۵۰ ش.
٥٣. متقی هندی، علاء الدین. کنز العمال فی سنن والاقوال و الاعمال. بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق.
٥٤. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. تهران: مکتبه اسلامیه، ۱۳۵۸ ش.
٥٥. مراجعی، احمد المصطفی. تفسیر القرآن (تفسیر مراجعی). بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
٥٦. المظہری، القاضی محمد ثناء اللہ. تفسیر المظہری. تحقیق: احمد غرو عنایه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ ق.
٥٧. مودب سید رضا. روشی‌ای تفسیر قرآن. دانشگاه قم: انتشارات اشراق، ۱۳۸۰ ش.

۵۸. ——— مبانی تفسیر قرآن. قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۶ ش.
۵۹. میرباقری، سید محسن. ظاهر قرآن و باطن قرآن. تهران: انتشارات رایزن، ۱۳۸۰ ش.
۶۰. نیشابوری، نظام الدین. السایر الدایر. بیروت: دار المعرفه.
۶۱. نووی الشافعی. صحيح مسلم بشرح النووی. بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ ق.
۶۲. وهب الزحیلی. تفسیرالنیرفی العقیده و الشريعة و المنهج. دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
۶۳. هیشمی، نورالدین. مجمع الزوائد ومنهج الفوائد. بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ ق.